

طب قانونی

« ۴ »

مبحث اول

فصل اول

هویت (L'Identité)

موضوع هویت :

- اول - در حقوق مدنی - تعیین هویت شخص که پس از مدتی غیبت برای مطالبه حقوق ارثی خود و یا ادعاهای دیگر پیدا شده .
- دوم - در حقوق جزائی - اولاً تعیین تقصیر شخص متهم ثانیاً شناختن نقش یا اسکت شخص که بدست یکنفر آدم کشی مقول تصور گردیده .

لائم هویت يك شخص زنده یا تازه مرده

الف - سن : از منظره و قیافه اشخاص میتوان سنین عمر را تخمین زد و همچنین از حالت پوست بدن که از سی تا چهل سالگی در زاویه پلکهای چشم در پیشانی و صورت و گردن و دستها شروع میشود بچین و چروک خوردن و در پیری خشک و نازک و دارای خالهای زرد رنگ شدن و ناخنها خشک و شکننده گردیده .

موهای سر و بدن و همچنین طاسی سر نمیتوانند بما تعلیمات محقق در خصوص سن بدهند - سفید شدن مو تقریباً از سی و پنج سالگی ابتدا میکند - اول در شقیقه ها و بعد در سر و ریش و سیل و پس از آنها موهای بدن از قبیل موهای زیر بغل و زهار و سینه و هلال پیری در قرنیه که در شصت سالگی آشکار میشود در ابتدا بشکل یک قوسی در بالای قرنیه و بعد بصورت یک دایره سفید تیره بدور آن که تقریباً در تمام پیرها دیده میشود .

ب - قد : هنگامیکه رشد انسان خاتمه می یابد قد شروع بکوتاهی میکند و در هر مرحله عمر اندازه آدم ایستاده و خوابیده از ۲ تا ۳ سانتیمتر اختلاف دارد و همچنین قد انسانی بین ۴۰ تا ۶۰ سالگی از ۲ تا ۳ سانتیمتر کوتاه میشود و از اثر دویدن زیاد و راه رفتن فراوان نیز قد انسان کوتاه میگردد .

طب قانونی

ج - دندان در آوردن : روئیدن و نمو دندانها بما سن شخص را میسناساند (در بحث هویت اسکلت بتفصیل ذکر خواهد شد) بعلاوه طرز قرار گرفتنشان در دهان مختلف و میتوانند کرم خوردگی پیدا کرده و یا بسبب استعمال سیگار و پپ و هر نوع دودی سطح خلفیشان سیاه و یا فاسد شوند و نیز ممکن است بکلی از ریشه بیافتد و جایشان در دهان یا خالی بماند یا دندان مصنوعی بگیرد .

د - مو : باید متوجه رنگ و فراوانی موی سر و ریش بود و دانست که رنگشان طبیعی و یا مصنوعی است بوسیله شست و شوی با آب آمونیاک و نهادن در مجاورت آبی که محتوی آسید سولفیدریک و یایک نوع سولفوروی باشد *Acide Sulphydrique* که املاح سرب و بیسموت و نقره در آن شناخته میشوند - آهک نیز بوسیله اکسالات داسونیاک *Oxalate d'Ammoniaque* اگر شخص مظنون تحت نظر باشد معلوم میشود که موهایش پس از نمو و روئیدن نزدیک بر ریشه هر رنگ با قسمت وسط مونیست - امتحان ذره بینی معین میکند موهای پیدا شده در محل جرم یا روی یک اسلحه و یا در دست مقتول متعلقند بآدم و یا حیوان و اگر موی انسانند از کدام قسمت بدن میباشند و آیا طبیعی افتاده اند و یا از ریشه کنده شده اند .

ه - عیبهای طبیعی و لکه های مادرزادی : بمنظره و مکان و طبیعت تومرها *Tumeurs* و الصافهای غیر طبیعی و شکافهای مادرزادی (لب شکری) و خال و ماه گرفتگی و چالهای اختصاصی در بدن علائم تشابه و هویت میباشد .

و - جای زخم : جای زخم از حیث مدت و شکل و محل و وسعت و مبداء شان تشخیص داده میشوند - بکجای زخم تازه نرم و قرمز و کیود رنگ است و پرمور خشک گردیده و برنگ سفیدکم یا زیاد مات درسیاید - پس از مالش جلد ناحیه که در آن وجود یک جای زخم ناپیدائی حدس زده شود یک خط سفیدی در زمینه قرمز مشاهده میگردد جای زخم اعمال جراحی شکل منظمی دارد آثاری که از فصد و زالو و تلقیح و قتیکه در بدن میماند محلهای مخصوصی دارند - زخمهایی که از اسبابهای تیز و برنده پیدا میشوند جایشان مثل خطی میماند و لبه های واضیحی دارند برخلاف زخمهای حاصله از کوفتیکی که جایشان عموماً غیر منظم اند - جای زخم اسبابهای نوک تیز ستاره شکلند - جای زخم اسلحه های آتشی فرو رفته و چسبیده باجزاء زیرین میباشد - جای زخم سوختگی از حیث وسعت و غیر منظم بودن و جمع شدن جلد و پر چروک شدن جا و اطراف باسانی شناخته میشوند .

بعضی امراض جلدی از قبیل خوراج *Anthrax* و سالک *Boutans d'orient* و غیره جای زخمشان میماند جای زخم همیشه کوچکتر از اسباب مولده آن میباشد جای زخماتی که در طفولیت پیدا شده با نمو بچه بزرگ میشوند .

ز - خال کوبی : خالهای کوبیده از حیث محل و رنگ (قرمز و سبز و سیاه و آبی) و از حیث ابرار و نام و تاریخ از یکدیگر متمایزند - آنکسیکه دارای خال است میتواند آنرا بوسیله ادویه طاوول آورنده محو کند - اما با جستجوی دقیقی میتوان لکه سفیدی که جای کوبیدگی خال است پیدا نمود .

طب قانونی

ط - علامت شغل : بعضی مشاغل که در مدت زیادی اعمال میشوند شکل و مقاوت و رنگ بعضی از اجزاء بدنرا تغییر میدهد عملجاتی که با چکش و پتک سروکار زیاد دارند یک پینه در کف دست و پنج انگشتانشان می‌بندد و نیز میان انگشتان شست و اشاره دست نجار و آبنوسکار و سنگ تراش و صیقل ده فلزات پینه بسته میشود.

جلد بعضی صنعت گران بمجاورت زیاد یک دوی مایعی اعم از آسید یا قلیائی پوسته پوسته میشود - رنگرژها پوست دستشان نازک و یکرنگ است.

انگشت شست شیشه یران کفگیر کی است - ناخنهای د باغان و چرمسازان قرمز و مال آبنوسکاران قرمز تیره‌اند . - حکاکان و کسانیکه پوست حبوبات میکنند همیشه کنار ناخن انگشت شست دست راستشان سائیده و برده شده است .

رخت شویها نمیتوانند کاملاً دست راستشانرا دارز کنند و جلد دستشان دارای ترک و شکاف میباشد.

شیروانی زنها و کف - اطاق سازان و قیراندوکنان زانوهایشان و کفشگرها رو، ران چپشان پینه بسته است .

خیاطان در نزدیکی قوزکهای خارجی سر قصبه صفرا و سرمشط پنجم پایشان دارای طاول هستند .

قسمتهائی از بدن سوار نظامان و خیاطان و کفشان در اثر مالشی بی‌مو میشوند کسانیکه با ادویه زبیتی سروکار دارند از قبیل کلاه مالها و مبتلایان بمرض زرد زخم دچار رعشه زبیتی و ورم لثه میباشند .

و نقاشان بعلا مسمومیت مزمن با سرب در لثه هایشان همیشه یک حاشیه آبی رنگی دارا هستند .

علامت هویت گناهکاران Anthropométrie

اعضای مختلفه توقیف شدگان مطابق سیستم آلفونس بر تیلون Alphonse Bertillon اندازه گرفته میشوند و این اندازه های ضمیمه بدویسه باسانی وسیله شناختنشان میشوند اگر در زمانی دور توقیف شده باشند سعی میکنند هویت خود را مخفی و مشتبه سازند . یازده اندازه (از نقاط مختلفه بدن توقیف شدگان) باید گرفته شود بقرار ذیل :

۱- تمام قد

۲- طول نیم تنه فوقانی

۳- قطر جلو تا پشت سر (از ریشه بینی تا قسمت برجسته قمحدوه)

۴- قطر بین قحفین Bizigamatique

۵- فاصله بین برجستگی پیشانی و گونه

۶- انگشتان وسطی یا خنصر چپ درحالت عمومی نسبت به پشت دست

۷- ناخن ازحد گوشت انگشت

طب قانونی

- ۸- اوش چپ (اندازه از آرنج تا انتهای انگشت وسطی)
- ۹- طول پای برهنه چپ در حالیکه وزن تمام بدن روی آن پا باشد
- ۱۰- وسعت بین دو دست باز
- ۱۱- رنگ چشم چپ

بلندازه‌های مذکوره الحاق میشود Envergure عکس تمام صورت و نیم‌رخ و اثر جای انگشتان و همچنین عده و محل جای زخم و خال در محبسهائی که اسباب و وسائل فراهم نباشد تحقیقات کتبی قائم مقام عکس خواهد بود .

Signe d'identité d'un Squelette علامت هویت از روی اسکلت

الف - تشخیص نوع: استخوانهای زن‌ها نسبت بهال مردها کم حجم‌تر و کلفتی رفته‌ها (انتهای استخوان) Epiphyse کمتر و برجستگی محل اتصال عضلات کمتر قابل ملاحظه‌اند .

سینه بیضی شکل تر و استخوان قص کوتاه‌تر و کمتر خمیده و استخوانهای ترقوه کمتر پیچیده‌اند .

زاویه مشکله از گلوگاه استخوان ران و بدنه آن کشیده‌تر از مال مرد است .

در جمجمه مردها برآمدگی منفرین بسیار کم و هلال ابروان ضخیم‌تر و برجسته‌تر و سقف خانه چشم مقعر تر و چاله دماغه عمیق تر است و نیز مهره‌های مفصلی قاعده پهن‌تر و پر حجم‌تر و زوایند سهمی شکل متصل به‌جهاز صوت عموماً حجیم‌تر از مال زن‌ها میباشد و زائده‌های حمله کم حجم‌تر .

ناحیه صورت مرد معمولاً کناره و حاشیه‌های آشکار تری دارد و سطوحی ناصاف تر .

گودی جای دندانهایشان عمیق‌تر و طاق حفره‌های دندان قوی تر و سقف‌حنکی Palatine وسیع‌تر و دندانها بزرگتر و سوراخ منفرین پشت بالاتر

فک اسفل (آرواره) حجیم‌تر و شاخه‌هایش فراخ‌تر و زائده منقاریش بلندتر اما لکن خاصره زن و مرد بالاخص تفاوت فاحشی باهم دارند

در زن محل الحاق استخوانها در زهار از حیث ارتفاع چهار سانتیمتر و در مرد پنج سانتیمتر است

قطور عرضی و قدامی و خلفی و عمودی زیادتر از مال مرد ها میباشد و لکن خاصره کوچک نیز پر وسعت تر و سوراخهای بالای عانه بزرگتر و مثلثی شکل و در مردها دائره شکل غیر منظم .

ب - تشخیص سن - برای تعیین سن جنین (مراجعه به بحث بچه کشی شود)

طب قانونی

سن را از زمان تولد تا سی سالگی از تبدیل غشاء و غضروف باستخوان و طریقه درآوردن دندان میتوان شناخت و تعیین نمود.

اول - قسمتها و نقاطی که غشاء و غضروف اند و بعد تبدیل باستخوان میشوند
از ۱۲ تا ۱۸ ماهگی انتهای استخوان بازو و زند اسفل و سر استخوان ران و بازو و انتهای فوقانی و تحتانی قصبه کبری Tibia

در دو سالگی انتهای تحتانی زند اعلی و قصبه صغرای Radius et Péroné
در سه سالگی حذبه های استخوان بازو Humérus و زائده بزرگ گلوگاه فخذ Grand trochanter

از سه سال و نیمی تا چهار سالگی برجستگی سر تحتانی استخوان بازو و استخوان
رضفه Epitrochlée et Rotule

از چهار تا پنج سالگی نوع خلفی آرنج Olécrane و انتهای فوقانی قصبه صغرای
Métatarpe تا شش سالگی انتهای فوقانی زند اعلی و سر چهار مشط دست
و چهار مشط پا Métatars

از شش تا هفت سالگی انتهای فوقانی سلامیهای دست و انتهای خلفی سلامیهای پا
Phalanges

از هشت تا نه سالگی انتهای تحتانی زند اسفل و زائده کوچک گلوگاه استخوان
Cubitus et Petit Trochanter

از سیزده تا چهارده سالگی بکره (زائده بیرونی انتهای تحتانی بازو Trachlée
و برجستگی قدیمی قصبه کبری Epicondyle

از پانزده تا شانزده سالگی انتهای فقرات و استخوان لگن خاصره

از شانزده تا هیجده سالگی انتهای حاشیه استخوان عجز Sacrum و استخوان
منکب Omoplate

از هیجده تا بیست سالگی اتصال برجستگی تحتانی استخوان بازو و زوائد استخوان
و انتهای فوقانی استخوان ران و عظام مشط پا و مشط دست و انگشتان به بدنه استخوان
از بیست سالگی لحم شدن انتهای فوقانی و تحتانی قصبه صغرا و انتهای تحتانی
استخوان ران

در ۲۵ سالگی اتصال انتهای استخوان قص و ترقوه و برجستگی فوقانی کنار تهیگاه
از ۲۵ سالگی تاسی سالگی اتصال فقره اول عجز با سایرین و استخوان وتدی
با استخوان قمروده و برجستگی انتهائی سایر فقرات

مختصات علمی - طبقه بندی ذیل بتازگی در پزشکی قانونی مصطلح شده و بکار

برده شده.

طب قانونی

اول حیات جنین

- دوم اولین مرحله طفولیت تا ۷ ماهگی
- سوم - دومین مرحله طفولیت از ۷ ماهگی تا دوسالگی
- چهارم - سومین مرحله طفولیت از دوسالگی تا ۷ سالگی
- پنجم - صباوت از ۷ سالگی تا ۱۵ سالگی
- ششم - سن رشد از ۱۵ تا ۲۰ سالگی
- هفتم - سن بلوغ از ۲۰ سالگی تا سی سالگی
- هشتم - سن کمال از ۳۰ تا ۴۰ سالگی
- نهم - سن کهولت از ۴۰ تا ۶۰ سالگی
- دهم - سن شیخوخت از ۶۰ تا زمان مرگ

دوم دندان درآوردن - از ۶ تا ۸ ماهگی دندانهای پیشین میانی (استثنا)

از اینمدت زیاد یا کمتر میشود)

دندانهای شیری

از ۷ تا ۱۲ ماهگی دندانهای پیشین اطراف	}
از ۱۲ تا ۱۸ ماهگی اولین دندانهای آسیائی	
از ۱۶ تا ۲۷ ماهگی دندانهای کلبی	
از ۲۴ تا ۳۶ ماهگی دومین دندانهای آسیائی کوچک	

دندانهای اصلی

در پنج سالگی اولین دندانهای آسیای بزرگ	}
از ۶ تا ۷ سالگی دندانهای پیشین باین و میانی	
از ۷ تا ۸ سالگی دندانهای پیشین بالا و میانی	
از ۸ تا ۹ سالگی دندانهای پیشین طرفین	
از ۹ تا ۱۰ سالگی دندانهای آسیای کوچک	
از ۱۰ تا ۱۱ سالگی دندانهای کلبی	
از ۱۲ تا ۱۳ سالگی دندانهای آسیای کوچک	
از ۱۳ تا ۱۴ سالگی دندانهای آسیای بزرگ	
از ۱۸ تا ۳۰ سالگی دندانهای آخرین آسیای کوچک یا دندان عقل	

از سی سالگی به بالا تعیین سن مشکل است و استخوانها سخت و سفت اند و یک حفره باریک مغزی در اشخاص بالغ دارند.

در پیران استخوانها کمتر و زین و نسج سخت آنها نازک تر و مجرای مغزی آنها فراخ تر است .

در حدود چهار سالگی دنباله و نوک خنجری مشکل استخوان نرم قص سفت و استخوانی شده و استخوان عسعی با استخوان عجز متصل گردیده و درزهای استخوانهای مجمله شروع میکند به محو شدن و آثار استخوانی شدن در غضروفهای حنجره و قصبه الر به ظاهر میشود.

طب قانونی

در پیرها گروه های بن فقرات نازک میشوند آنوقت فقرات پائین آمده و کم یا زیاد بهم متصل میشوند و استخوانهای مجمله هم تا حدی کوچک میگرددند از اینجهت در این مرحله عمر قد انسانی کوتاه میشود دندانها تقریباً بکلی از میان رفته و جای آنها هم پر میشوند زاویه فک اعلی بزرگ میشود و شاخه بالا رونده و بدنه آن مایل میشوند به تشکیل یک زاویه قائمه سوراخ فکی نزدیک حاشیه جای دندانی واقع میشود .

ح - اختصاصاتی از ساختمان بدن : استخوانهای بدن ممکن است در ساختمانشان معایبی ذاتی یا عرضی وجود داشته باشد که علامت میزه و شناخت تشخیص کردند از قبیل انگشت زیادی پینه جای شکستگی استخوان و تلین عظام *Coxalgie* و *Rachitisme* آثار خلع ذاتی مفصل و خمیدگی و غیره رنگ و فراوانی و بلندی موهای سر و بدن و منظره ناخنها که مدتی بدون تغییر میمانند و مخصوصاً دندانهایی که تقریباً زیاد دوام میکند نیز علائم هویت اشخاصند .

فصل دوم

لکه های مختلفه از نظر طب قانونی *Taches médico-légales*

لکه های خون - الف - علائم میزه که ها را میشناسانند :

وقتی لکه ها تازه هستند میتوان تشکیلشان را از خون دانست در صورتیکه علائم میزه طبیعیشان موجود باشد از قبیل رنگ قرمز منظره شفاف بعلت وجود آلبومین منعقد و بوی مخصوص نزدیک به بول عرق حیوان صاحب خون

وقتی لکه های کهنه و یا فاسد روی یک پارچه تیره رنگی قرار گرفته اند یقین و اطمینان نمیتوان حاصل کرد مگر بوسیله خواص و امتحانات شیمیائی و اسپکتروسکوپییک *Spectroscopique* طیف شناسی و ذره بینی یا اتلا بوسیله یکی از اینها .

اگر لکه های واقعه روی یک تیکه پارچه یا قطعه سنگی و یا خورده نجاری و غیره خشک هستند برای امتحان شیمیائی یا اسپکتروسکوپییک آن شیئی را باید در یک مایع تازه بخیسانند

برای امتحان ذره بینی مایعی بکار میرند که گلولهای خون بتوانند در آن محفوظ بمانند از قبیل محلول اشباع شده سولفات دوسود و محلول یدیدوره و محلول ۱/۲۰۰ بی کلرور دوسرکور .

۱ - امتحان شیمیائی : پس از نرم کردن لکه مظنون با چند قطره آب مقطر و تبخیر مایع فی نفسه و یا بواسطه حرارت ملایمی یک یا دو قطره از محلول ۱/۵۰۰ نمک بجرى و هماتقدر اسید استیک قابل انجماد بآن میافزایند و بعد آنرا گرم میکند بدون آنکه بجوش آید .

طب قانونی

اگر در ته نشین این تبخیر دومی که با ۳۰۰ درجه بزرگ کردن امتحان میشود تبلورهای لوزی شکلی یافت میشوند با رنگی اختلاف پذیر از زرد مایل بسرخ برنگ تیره اغلب بصورت ستاره یا صلیب و تبلوراتی که مال همین Hémine یا کلریدرات دما تین Chl. d'hématine هستند محقق میدارند که لکه از خون تشکیل یافته .

۲ - امتحان اسپکتروسکوپیک : وقتی تشخیص بوسیله آلت اسپکتروسکوپ طفیلهای نورانی مایعی را که بدست آمده از خیساندن یک نکه خون در آب امتحان کند Spectre در طیف دوخط تاریک رنگ دیده میشود یکی در منطقه سبز و دیگری در منطقه زرد که مشخص هموگلوبین اکسیژنه هستند .

۳ - امتحان ذره بینی : این امتحان بسیار طرف اطمینان است زیرا که باعث دیدن همتایهای Hématies گلول قرمز خون میشود که از علائم و نشانه ها تا حدی شناخته میشود که خون چه نوع حیوانی است ولی همیشه نتیجه مثبت نمیدهد زیرا گلولهای قرمز خون در هوا بد مقاومت کرده و فاسد میشوند .

بوسیله میکروسکوپ یک جزء از لکه نرم شده در یکی از مایعات فوق الذکر امتحان کرده میشود - گاهی لکه بقدر کفایت تازه است و گلولها منظره های طبیعیشان را نمایان دارند .

گاهی حجمشان کم و تغییر شکل یافته گاهی نهاده دار و گاهی دارای استاله اند در حال قابل تشخیص اند ولی بعضی اوقات بجای فرو رفتگی مرکزیشان یک برجستگی موجود میگردد که بآنها یک حسب ظاهر کروی میدهد یا تقریباً بی رنگ و خورد شده و قطعه قطعه و تقریباً نشناختنی میگرددند .

۴ - امتحان بوسیله سرمهای رسوب کننده : قاعده آن از اینقرار است : اگر در صفاق یک خرگوشی Serum حیوان دیگری را تزریق کنند پس از یک مدتی سرم این خرگوش خاصیت این را پیدا میکند که سرم آن حیوان و یا حیوانی از آن جنس را با استثنای سایر سرمها ته نشین کند .

ب - لکه هائی که با لک خون مشته میشوند : لکه های کیک منظماً گرد و بیضی شکلند باندازه نصف تاسه میلیمتر و مثل ترشح خون دراز اندام نیستند رنگشان تیره سیر و تقریباً روی پیراهن و زیرشلواری یافت میشوند - با ذره بین یکماده متعادلجنس و یکنواختی دیده میشود که دارای گلولهای رنگین مایل بزردی و سبزی و بشدت منعکس کننده نور و در مرکز درخشنده و در محیط تاریک و درآسید استیک Acide acétique لاینعل و درالکل واطر محلول میشوند (خاصیت گلولهای چربی) .

لکه های حاصله از فضولات ساس از قطرات بسیار کوچک خشک تشکیل می باید : باختلاف اندازه از یک هزارم تا ده هزارم میلیمتر والا ذرات کروی یا بیضی شکلند با یک رنگ تیره قرمز در مرکز روشن تر از محیط که کمتر واضح و آشکار است .

طب قانونی

لکه‌های حاصله از مگس له شده قمل و افعال مایع خونی را نمیدهند و بوسیله مواد کلر Chlore و آید هیپوکلرور Hypochlorure از رنگ میبایست .

لکه هائی که از شیره بعضی نباتات از قبیل هندبای بزی Pissenlit و توسه L. aulme پیدا میشوند بسیار شبیه به لکه های خون هستند . اما بوسیله میکروسکوپ همراه آنها ذرات نباتی دیده میشوند و بتوسط آسید ایپوکلرور $\text{Acide hypochlorure}$ بی رنگ میگردند .

لکه‌های زنگ فلزات بتوسط اسید کلریدریک $\text{Acide chlorhydrique}$ محو میشوند . هنگام محلول در آب آن لکه ها یک رسوب آبی رنگی با فر و سیانور دوپتاسیم $\text{Ferrocyanure de potassium}$ و رسوب سیاه رنگی باطن ایجاد میکند .

ج - همداء خون : برای حل این سؤال باید در نظر داشت که گلبولهای خون در بین حیوانات اختلاف کمی دارند .

در طیور و خزنده‌ها و ماهیهای بی شکل و یک هسته میباشند و در انسان و حیوانات پستاندار از دو طرف مقعر یا گرد با محیطی ضخیم تر و تیره تر از مرکز .

در خصوص تمیز خون انسان و سایر حیوانات پستاندار از روی اندازه گلبولها که بوسیله میکرومتر گرفته میشود میتوان تعیین نمود ولی بین آن انواع و یا انسان و حیوانات پستاندار اختلاف کم است .

بعلاوه در گلبولهای کهنه از شکل افتاده تغییر و اختلاف زیاد پیدا میشود .

آنچه که میتوان گفت متوسطاً آنستکه گلبولهای خون گاو و گوسفند و بز دارای قطری کمتر از گلبولهای خون انسان و سگ و خر میباشند .

غیر ممکن است که از خون بتوان نوع و سن صاحب آنرا تشخیص داد .

منشاء خون حیض ثابت نمیشود مگر بوسیله سلولهای سنگ فرشی شکل مهبل یا سلولهای استوانه‌ علق رحم .

همچنین قسمتی از بدن که آن خونرا پس داده نمیتواند شناخته شود مگر آن مایع عناصر میزده داشته باشد از قبیل مو و کرک و سلولهای پشره غشاء مخاطی مخصوص .

لکه های منی : در اعمال منافی عفت و بی عصمتی لکه‌های منی در روی لباسهای

شخص مورد ظلم و مصیبت و یا در لباسهای متهم و متضرر و نیز روی اشیائی از قبیل صندلی و فرش و کف اطاق و غیره جستجو میشود و در آنجاها گاهی لکه‌ها هم مخلوط با خون و مخاط یافت میگردد بر روی پیراهن و زیر پیراهنی و زیر شلوار و سایر لباسهای سفید زیر لکه های منی بتوسط شکل غیر منظم و حدود پیچ در پیچ تیره تر از مرکز و رنگ خاکستری و زرد و دادن آهار بپارچه شناخته میشوند و وزین و شفاف اند و بوی که متمایز شناخته شوند ندارند .

پس روی پارچه‌های نفوذ ناپذیر پس از خشک شدن یک ورنی براق فلس‌داری میگذارد شبیه بانچه حلزونات در معبر خود میگذارند .

طب قانونی

این منظره لعابی و سفید رنگ و ورقه ورقه در روی جلد شبیه است بیک طبقه کولودیون Collodion خشک‌سوهاى آلوده بمنى دروسط بیک‌عنصرى Magma خاکستری رنگ بهم چسبیده‌اند روی مخاط مهبل یا معاء مستقیم هیچ وجود منى تشخیص داده نمیشود برای اثبات آن لازم است مراجعه بامتحان ذره‌بینى شود که حتماً وجود یک لکه مظنونى را ثابت مینماید .

وقتی منى بیک طبقه فلس گذارده چند ذره آنرا در قطره از آب خیسانده و زیر میکروسکوپ می‌نهند .

وقتی لکه نفوذ در پارچه کرده و خشک شده آنرا دوباره تر و تازه میکند بدینطریق که باندازه یکنواری از پارچه لک‌دار باضافه قسمتى که آلودگى ندارد مى‌برند .
انتهاى بی‌لک این نوآرا در آب می‌خیسانند .

مایع در حالیکه بواسطه قوه شعریت بالا می‌رود رطوبت به لکه میدهد آنوقت دو روی آن نوآرا می‌تراشند و آن تراشیدگى را بمیزان پانصد مرتبه بزرگ میکنند .

میتوان قطعه‌هاى آماده برای امتحان ذره‌بینى را Préparation یا با یک محلول ید در آب مضاف یدورد و پتاسیم یا با کارمین Carmin که تفتیش و تحقیق را سهلتر می‌سازد رنگین نمود .

اگر اسپرماتوزوئید Spermatozoïde (میکروب منى) باسرى بزرگ و کمى پهن و دمى بلند باریکشان دیده شوند میتوان اثبات کرد و بطور یقین گفت که لکه از منى تشکیل شده بوده است .

این عناصر منى که مورد امتحان واقع شده و که چند ساعت از هنگام خروجشان گذشته بیحرکت اند (۱)

اما باید که چند میکرب منى دست نخورده پیدا شود .

وجود تیکه‌هاى جداگانه سر یا دم موجب اثبات نمیشوند .

بعضى لکه‌ها ممکن است منظره خارجیشان به لکه‌هاى منى سبب شوند - از قبیل لکه‌هاى حاصله از ترشحات مجرای بول که دارای باکترىها Bactéries و سلولهای بشره سنگ فرشى شکل میباشند و نیز لکه‌هاى مخاط پینى یا اخلاط سینه که محتوی لوکوسیت Lococytes (گلبول سفیدخون) زیاد و سلولهای بشره سنگ فرشى دهان و حلقند .

لکه‌هاى براز طفل تازه بدنیا آمده :

ترشح رحمى و مایع مربوط به مشیمه جنین و شیر مالک و شیر . وجود آنها در موقع سوء ظن بجهت کثرت اثبات یک زائیمان تازه را میکند .

۱- بسیاری از اشخاص که نزد ولف شکایت از بی‌اولادى کرده‌اند و سلامتی زنشان مسلم گردیده در امتحان با میکروسکوپ مسلم گردیده که منى آنها دارای میکرب اسپرماتوزوئید نمیشد .

طب قانونی

براز طفل تازه دنیا آمده ایجاد لکه های چسبنك قهوه رنگ یا سبز رنگ میکند که محتوی دانه های چربی و صفراوی و بلورهای کولسترین Cholestrine که بوسیله میکروسکوپ شناخته میشوند (کولسترین ماده چربی است که از حصاة صفرا میگیرند)

همانطوریکه سلولهای بشره استوانه امعاء زیاد و کم با تغییر شکل یافت میشوند لکه های آلودگی جنین یا پیهی منظره لکه های ماهیرا دارند. آنها چرب و فلسی و تنگ دارای دانه های چربی بمقدار کم هستند و مخصوصاً سلولهای بشره سنگ فرشی با چند رشته های نرم جنین

جلد جنین سلولهای بشره پنج تا شش طبقه بر روی هم واقع شده را نشان میدهد آخرین طبقه آن دارای هسته ایست - روی قطعات جلد میتوان بسبب وضعیت سلولهای محیط سوراخهای غدد عرق آور و غدد شعریه را شناخت. مایع شمیمه جنین تشکیل لکه های تیره زرد رنگی با کناره های واضح و پهن وسعت میدهد. بوسیله میکروسکوپ در آن لکه های سلولهای بشره سنگفرشی آلوده بچربی و کرک نرم شناخته گردیده و آنرا از سرم خون که مرکب است از آب و آلبومین و نمک تمیز داده شود.

لکه های شیرماک زرد رنگند - پارچه را وزین میکنند و حدود نامنظمی دارند تیره تر از مرکز - و علاوه بر گلبولهای چربی با حجم معین دارای گلبولهای پر حجم و دانه دار از یک تا ۵ صدم میلیمتر هم میباشد لکه های شیرخاکستری و یا زرد رنگند و پارچه را کمی وزین میسازند.

گلبولهای شیر کروی شکل هرگز از ۹ پی (اندازه یونانی) نمیگذرند قندی که در شیر وجود دارد مایع کوپروپتاسیک را Cupropotassique غلیظ میکند.

لکه های حاصله از براز

رنگ حاصله از مدفوع عادتاً زرد و یا خرمائی رنگ تیره است امتحان ذره بینی آن باعث یافتن ذرات نباتی خوب حفظ نشده میگردد که بخوبی میتوان نوع و جنس و طبیعت آنرا معلوم نموده و هم چنین ذرات جنس حیوانی از قبیل الیاف عضلات و نسج ملتحمه و سلولهای پیهی و قطرات چربی و تخم کرمهای امعاء Oxyures از مدفوع بچه تازه دنیا آمده عناصر مایه (۱)

در روزهای اول رنگ مدفوع سبز با خطوط زرد رنگ بخوبی و واضح مشاهده میشود. در روز هفتم رنگ زردی بخود میگیرد مخلوط با حلقه های سفید رنگ با اندازه های مختلف.

مایه Méconium مدفوع روز های اول تولد طفل است مرکب از چربی و صفرا و قشر امعاء و بارنگی سیاه مایل بسبزی

طب قانونی

لکه های مواد دماغی

این مواد یک منظره چربی و خاکستری و قرمز رنگ دارند آب آنها را حجیم و نرم میسازد.

جوهر گوگرد آنها را متناوباً زرد و قرمز و بنفش و بعد آنها را حل میکند و بعد فاصله لکه های آلبومین و پیروسیفید را بنفش میکند.

در زیر میکروسکوپ در ذرات مغز بندرت سلولهای عصبی قابل تغییر دیده میشود

لکه های نسج سلولهای یبھی

آن لکه ها چرب و زرد رنگ و زرد تیره هستند - آب آنها را حجیم و نرم میکند با ذره بین چربی درشت و کروی مشاهده میگردد که جدار نازک و شفافشان اسباب دیدن رنگ زرد خود چربی اند آنها بصورت الیاف موج بر روی هم منطبق و تشکیل دسته های نسج سلولی را میدهند.

فصل سوم

Examen des empreintes, des poils et des cheveux.

امتحان آثار دست و پا و موهای بدن و سر

جای پا :

اثری که از جای کفش میماند باعث شناختن شکل و اندازه پا است. بعضی خصوصیات در راه رفتن از قبیل سائیده شدن تخت و یا پاشنه و یا میخ کفش معین و معلوم شده اند.

آثار پای لغت اغلب بعضی خصوصیات ظاهر میسازند که اجازه میدهند بواسطه سنجش و امتحان جای پای یک متهمی شرکت او را در یک جرمی ثابت نمایند.

وقتی که جای پاروی کف تخته اطاق دیده میشود میتوان قسمت های لکه را ازجا کنده و از روی آنها طرحی گرفته کرده و یا عکسی برداشت.

وقتی که پا اثر خود را روی گل یا خاک و یا شن گذاشت با آسید استئاریک *Acide stéarique* یا گچ یا ساروج میتوان یک قالب از آن برداشت.

اگر جای پا روی برف دیده شود میتوان بکمک ژلاتین و یا گچ کشته شده یا آب یخ مخلوط به برف از آن قالبی برداشت.

جای دست - خطوط قلمی *Ligne papillaire*

در اشخاص مختلف وضعیت تفاوتی دارند آنخطوط در یک شخص تمام مدت عمر یکسان میماند و اثر یک انگشت ثابت و بدون تغییر بهترین علامت مشابهت و تعیین است

طب قانونی

زیاد اتفاق میافتد که یک گناهکاری دست خون آلود خود را روی یک دیوار یا یک مبل یا کاغذ یا چیزهای دیگر میگذارد اگر آن اثر امتحان شده شبیه است بجای دست یا انگشت یک متهم آنوقت میتوان مجرمیت را ثابت نمود.

امتحان موی : بکمک امتحان ذره بینی تشخیص موی انسانی سهل و ساده است ماده مغزی آن خمس یا ثلث ماده مغزی موی حیوانات میباشد درموی انسان ماده مغزی قسمت عمده و قسمت قشری آن فقط بمنزله غلافی است.

هر نوع حیوان یکموی مخصوصی دارد که باسانی میتوان شناخت.

در انسان قطر موی سر از ۰/۵ میلیمتر تا ۰/۱۰ میلیمتر است (موی ریش ضخیم تر است) از اینقرار موی زرخ ۰/۱۲۵ میلیمتر موی سبیل ۰/۱۱۵ میلیمتر است و موی گونه ها ۰/۱۰۴ میلیمتر - مژگانها و ابروها یک منظره دوکی شکل دارند.

موهای زهار دارای طول مختلفند اما از ۸ سانتیمتر هیچوقت تجاوز نمیکند - آنها بدور خود می پیچند و یک قطع بیضی شکل بخود میگیرند .

موهای زیر بغل و بینی و گوش ناهموارند و سطحی دارند نامساوی بسبب عمل و تأثیر عرق و ترشحات مخصوص موهای دست و پا یک حفره بسیار کوچکی در وسط و یک انتهای گرد دارند.

فصل چهارم

Maladies simulées, provoquées et communiquées

امراض وانمودی و برانگیخته و انتقالی

امراض وانمودی و برانگیخته :

ممکن است طبیب طلبیده شود برای تعیین امراض وانمودی و بخود بسته متهمینی که سعی میکنند بباوراند که از راه جنون یک گناهی از آنها سرزده یا دربالین جوانانی که میخواهند خود را از خدمت نظامی معاف دارند. یا معاینه مقصرینی که مایلند مدت مجازاتشان کم شود ، یا برای معاینه سائیلینی که استرحام میجویند یا دربالین اشخاصی که بعنوان ناخوش میخواهند خود را از حضور در محکمه و یا ادای وظیفه شهادت و یا عضویت در محکمه معاف سازند.

امراض سلسله اعصاب از قبیل جنون و مالیخولیا و نیستری و امراض عصبانی و صرع مخصوصاً کوری و کری و لکنت زبان و تشکیل بول امراضی هستند که اغلب میتوان آنها را ساخته و مصنوعی بخود بسته و پس از آنها نزدیک بینی و امراض ساختگی چشم است.

طب قانونی

بیک طریق عمومی مرض ساختگی شناخته میشود از اینراه تصنع آن ناقص است و یک یا چند علامت عادی آن کم است از قبیل حدقه‌های مردمک دیده‌مریض صرعی که جلو یک روشنائی زیاد جمع نمیشوند و بی‌حال مشتبه‌کار جمع و کوچک میشود :

دیوانه حقیقی در تمام موضوعات پرت و پلا نمیگوید بلکه هذیانش برای قسمت خاصی است که سایر افکار ورشته‌ها را خارج میکند در حالیکه مشتبه‌کار در تمام بیانات و اعمال راه اغراق و گزاف گوئی پیماید از طرفی دیگر گاهی فراموشی و یا عدم امکان در اشتباه کاری است چنانچه در سلامت بول دروغی هنگام خواب مشتبه‌کار با میل ادرار از مثانه‌اش در میآورد یک ملاحظه دقیق بعلامت و یک مراقبت زیاد میتواند اغلب اشتباه‌کار را که ثبوتش مشکل است بشناساند.

در خصوص امراض برانگیخته و مصنوعی برای استرحام یا برای معانیت از یک خدمتی اغلب جوش و قرصه‌های جلدی بتوسط کل‌ساعت (Herbe aux yeux Clématite) یا مادریون Garou یا ذراریع Cantharide میسازند و ورم را مصنوعاً بوسیله باز کردن زیر جلد و ورم ملتحمه را بوسیله چکاندن مایعات محرکه در چشم ایجاد میکنند برانگیختن مرض مشکوک‌تر است تا مشتبه‌کاری مرض.

امراض منتقله - الف - شپش

یافتن و شناختن شپش زهار آسان است و در پزشکی قانون اهمیت زیاد ندارد ولی سوزاك و كوفت فوق‌العاده طرف توجه میباشد.

ب - سوزاك : در موقع بی‌عصمتی یا سوء نیت بعفت کسی سوزاك منتقله گناها شده‌تر میکند و میتوان هويت مقصر را بطور یقین تعیین نمود هنگامیکه بدان مرض هنوز آلوده باشد و آنرا میتوان در شخص آلوده و آسیب دیده و متهم جستجو نمود هنگامیکه شخص مصیبت زده زن باشد ورم سوزاکی فرج را بندرت میتوان اثبات نمود چون بحسب ظاهر خیلی کم با اورام قرخه و طبیعی فرج اختلاف دارد - آن ورم عادتاً آشکار نمیشود مگر ۴ تا ۵ روز بعد از سرایت و قتیکه ورم سوزاکی شدت پیدا نمود سرایت بمجرای بول نموده و در هنگام شاشیدن درد و سوزش شدید شده و جریان چرك آزاد و فراوان میگردد و رو بکمی نمیکندارد مگر پس از ۱۵ روز و قتیکه ورم فرج را نتوان بطور یقین از سوزاك دانست امتحان ذره بینی تنها وسیله تشخیص حتمی خواهد بود (۱) احتمال تبدیل یقین میشود وقتی سوزاك در متهم و مقصر موجود باشد.

اگر ترشح چرك فراوان و یسوزش و درد باشد مسری بودن مرض محقق است در موقع مخالف شك و تردید در طبیعت مرض و مسری بودنش وجود دارد .

ج - كوفت (۲) : این مرض قابل انتقال و سرایت است نه فقط هنگام بی‌عصمتی

۱ - باوجود ادویه جدیده اکثرأ دروزه مرض سوزاك معالجه میشود.

۲ - در مدت قلیلی امروزه معالجه پذیر است

طب قانونی

و سوء قصد بغفت کسی بلکه بوسيله شیر دادن و کوییدن آبله و استعمال اشیاء و ظروف آلوده بمیکرب آن .

۱- کوفت در هنگام بی عصمتی یا سوء قصد بغفت کسی : تشخیص

شانکر از نقطه نظر پزشکی قانونی منحصر بوجود زخم نیست بلکه بسته است بمجموعه علائمی که مؤید و معرف یکدیگرند و علائم ضمیمه مزاجی بوده درفدیه یا مقصر (مرض کوفت باید در هر دونفر جستجو شود) شخص نباید هرگز بعد از یک امتحان اظهارنظر کند بلکه امتحانرا چند بار با فاصله زیاد یا کم باید تکرار نماید و نیز امتحان نباید محدود بآلات تناسلی باشد بلکه آنرا روی تمام بدن باید بسط داد و نیز باید شانکر را از تبخال و ائتکال را از قرحه هائی که سبشان ورم شدید فرج است تمیز داد .

۲- کوفت بوسيله شیر دادن : سرایت مرض کوفت گاهی بوسيله دایه و گاهی

بوسيله طفل شیرخوار عملی میگردد .

وقتیکه کوفت بوسيله طفل شیرخوار سبب سرایت میگردد و طفل دارای علائم کوفت ارثی میباشد از قبیل لکه های مخاطی آلات تناسل و نشیمن گاه و جلد بینی انگشتان پا و قوزکهای داخلی در زانوها بعد نقاط Pemphigus (نوعی از مرض جلدی است) و گوشت آوردن ناخن Onyxis و لکه های مخاطی دهان و حلق و منخرین و حوادثی که در ماه اول زندگانی بروز میکند .

دایه در ابتدا یک شانکری در سر پستان پیدا کرده با ورم غده های زیر بغل و بعد حوادث ثانوی از قبیل دانه های قرمز و لکه های مخاطی حلق و غیره وقتیکه کوفت از دایه سرایت میکند شانکر طفل در دهان بروز میکند با ورم غده فکی و بعد لکه های کوفتی دریدن .

۳- کوفت از اثر کوییدن آبله : این حالت بواسطه بروز بشورات درمحل

کوییده شده که تبدیل بقرحه میگردد شناخته میشود .

اول شانکر و بعد ورم غده ها ظاهر میگردد پس از یک تا ۶ ماه لکه های سرخ کوفت در مخاط دهان و حلق آشکار میشود .

اگر آن طفل از پستان غذا میخورد کوفت را به پستان مادر و یا دایه اش سرایت میدهد .

رشته حوادث جای شک و تردید نمیگذارد که در اصل کوفت یا از راه تلقیح و یا تولید از راه شیر خوردن بجهت نتیجه خسران و زیاد فراوانست .

مبحث دوم

سوء قصد به حیات و یا سلامتی

Attentats à la vie ou à la santé.

فصل اول

تعیین حقیقت مرگ و زمان آن و زنده ماندن در حادثه پس از دیگری

علائم مرگ حقیقی - الف - علائم مشکوک مرگ عبارت اند :

اول از فقدان هوش و قوه دراکه وحس جلدی و قسمتی از قوای دماغی مدتی قبل از مرگ حقیقی .

دوم - بند آمدن نفس که بوسیله گوشدادن با اسباب و نزدیک دهان بردن آئینه و ندیدن آثاری از بخار آب دهان روی آن محقق میگردد .

سوم - منظره چشم - پرده مخاط زلالی شکل روی قرنیه و تیره گی قرنیه و اتساع مغزی چشم دردم مرگ که چند ساعت بعد تنگ شده و پس از دو یا سه روز غیر منظم شده و این زمانی است که کلیه چشم سقوط یافته و لکه در صلبیه بواسطه تشریب نعشی پیدا شده . (Infiltration)

چهارم - رخوت تمام عضلات مضبیه مخصوصاً مضبیه مقعد

پنجم - لکه های بنفشی رنگ نعش یا خونمرد گیهای فراوان در جلد یا لکه های متفرقه غیر منظم بنفشی رنگ که چند ساعت پس از مرگ ظاهر میشوند .